

میدون و سوفیا

۵۰۰۰ تا شماره‌تلفن قرتی



پوریا عالمی

● دیروز با سوفیا دعوایمان شد. سوفیا رفته سر کوشی من و دیده اوه اوه... پنج هزار اسم بیگانه نوی کوشی من ثبت شده و حالا دارد راززار گریه می‌کند و می‌گوید: تو به من خیانت کردی... آخه لا‌مصب پنج‌هزارتا؟

می‌گویم: سوفیاجان... گول این پنج هزارتا شماره‌تلفن را نخور... این‌ها هرکاهاست... سوفیا می‌گوید: هکر کجا بود؟ پنج هزارتا شماره‌تلفن، همه هم عکس دارند... اووووووه... همه هم قرتی و لوکس و لاکچری.

می‌گویم: سوفیاجان... این چیزها تقصیر رسانه‌هاست... کجا پنج هزارتا شماره‌تلفن توی کوشی من است؟ آن هم پنج هزارتا قرتی؟ سوفیا می‌گوید: رسانه‌ها؟ رسانه‌ها از خودشان درمی‌آورند، قبول. من که از فون‌پوک کوشی‌ی تو این پنج هزارتا شماره را درآوردم.

می‌گویم: سوفیا... به قول سخنگوی دولت؛ حالا چهارتا اکانت فیک گفتند می‌خواهند رایشان را از من پس بگیرند، کی به من رای دادند که پس بگیرند؟ سوفیا می‌گوید: کجاش فیک است؟ موضوع کراتی که نیست... موضوع، پنج هزارتا شماره‌تلفن است که من دارم با چشم‌هام می‌بینم.

می‌گویم: سوفیا... عشقم... تو حرف رئیس‌جمهور را که این چیزها جنگ روانی است قبول نداری، حرف سخنگو را برای کسانی که ناراضی هستند قبول نداری، حرف رئیس سازمان بازرسی کشور را که قبول داری؟

سوفیا می‌گوید: چی گفته؟ می‌گویم: رئیس سازمان بازرسی کل کشور گفته: «متأسفانه سایت وزارت صنعت، معدن و تجارت هک شد و حدود پنج هزار خودرو مدل‌بالا و گران‌قیمت وارد کشور شد!»

سوفیا می‌گوید: رطش چه؟ می‌گویم: باباجان... آنکه وزارت صنعت مملکت است ساینش را هک کردند و پنج هزارتا خودروی لوکس و لاکچری و قرتی و میلیاردی توش ثبت‌نام کردند و آب از آب تکلان نخورده، حالا من می‌گویم موبایل‌ زیرتی من را هک کردند و پنج هزارتا شماره‌تلفن قرتی توش گذاشتند، تو باورت نمی‌شود؟ هک موبایل من که از سایت وزارتخانه مملکت سخت‌تر نیست.

سوفیا می‌گوید: اوه... میدون... میدون دوم... چرا من وارد این بازی شدم؟ چرا من به شرایط موجود اعتراض کردم؟ چرا من این‌قدر، قدرشناس هستم؟ میدون دوم... عزیزم... عشقم... فقط سؤال من این است که تو موبایلت هک شده، این موی بلوند روی شانه‌ات چیست؟ این ریز سرخ مالیده به پیراهنت چیست؟ همه این چیزها که گفתי را قبول کنم یا دم خروس قمرزت را؟

تجر به دیگران

دغدغه‌زبان دوم

این روزها یکی از دغدغه‌های افراد یادگیری زبان دوم است. وقتی سایت تایم را بالاوبیین می‌کنید، یادگیری زبان دوم برای افراد بزرگسال، همچنان یکی از مطالب پرطرفدار است. مردی که توانسته زبان فرانسه را در ۱۷ روز یاد بگیرد، از تجربیات خودش نوشته است. البته هرکسی این امکان را ندارد که در محیط باشد و بتواند با معاشرت با افراد فرانسوی برای یادگیری زبان تلاش کند. به‌هرحال این راه‌ها می‌تواند مسیر شما را آسان‌تر کند: از رسانه‌ها استفاده کنید، به رادیو حتما گوش دهید، بخوانید، بخوانید و بخوانید، فیلم و سریال ببینید، با دوستانتان مکالمه کنید، احوالپرسی را بیاموزید. باز زبان دوم فکر کنید. اما وقتی شما در محیطی قرار بگیرید که هیچ‌کس به زبان مادری شما آشنایی ندارد، خیلی سریع‌تر به نتیجه می‌رسید. دیوید برلی با یک برنامه منظم ۱۰ ساعت تا ۱۰۵ ساعت در روز یادگرفت، البته او جدول‌های فعل منظم و نامنظم را می‌خواند. کلماتی را که مشکل داشت روی یک کاغذ می‌نوشت و مدام می‌خواند و تمرین می‌کرد و از همه مهم‌تر می‌نوشت، می‌نوشت و می‌نوشت. درعین‌حال به نوارهایی که زبان فرانسه را یاد می‌دادند، گوش می‌کرد و هرآنچه یاد می‌گرفت در میان می‌گذاشت، البته او توجه داشت که قبل از هر چیز صحبت‌های روزمره و صحبت درباره خودش را تمرین کند و یاد بگیرد تا حرفی برای گفتن با دیگران داشته باشد. هر روز به مدت حدود یک ساعت موسیقی گوش می‌کرد و آواز می‌خواند. مدام کتاب‌های کودک را می‌خواند، چراکه اول، زبان مورد استفاده آنها ساده است و دوم، شناختن داستان کمک می‌کند تا معنی کلمات جدید را حدس بزنید و به سراع فرهنگ لغت نروید. می‌توان روزی حداقل یک ساعت صرف نوشتن مقاله درباره خود کرد تا سؤالاتی درباره اینکه «آز کجا هستید؟»، «چه کاری انجام می‌دهید؟»، «آیا فرانسه یا... را دوست دارید؟» را به‌راحتی جواب داد. یا یادگیری پاسخ‌های آماده، می‌توان اعتمادبه‌نفس خود را افزایش داد. با یادگرفتن کلمات مرتبط، می‌توان جملات اندک خود را به هم وصل کرد. به‌این‌ترتیب حداقل آمادگی شروع مکالمه ابتدایی به دست می‌آید یا برای اینکه بتوان در کمتر از یک ماه خود را با محیط جدید همراه کرد، جای نگرانی نیست.

روزنامه شتر

سه‌شنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۷ ۵ شوال ۱۴۳۹ ۱۹ ژوئن ۲۰۱۸ سال پانزدهم • شماره ۳۱۷۳ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۲۰:۴۴ • اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنفر۱۰

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



علی رومانی

aliromani84@gmail.com

خبر آنلاین: ماموران گمرک ایران از ابتدای ساله تا کنون ۱۰۱ مورد قاچاق انسان کشف کردند



یادداشت

تصویر ذهنی تاریخی ما از کهن‌سالی



شیوا دولت‌آبادی

تصویر ذهنی تاریخی ما از کهن‌سالی معمولاً تصویری زیبا از انسان‌های جهان‌دیده، صاحب تجربه و مهربانی است که در قالب ریش‌سفیدان یا کیس‌سفیدان آشنا در جایگاه والای خود نشسته‌اند و با خود، برکت، پیوند و حمایت می‌آورند. ازاین‌روست که گفتن از آزار کهن‌سالان به مذاق هیچ‌کس خوش نمی‌آید، ولی از سوی دیگر شکل‌گیری روزی به نام «روز جهانی آگاهی از آزار کهن‌سالان» مانند بسیاری از تابه‌وای شکسته‌شده دیگر مانند بحث درباره خشونت علیه کودکان یا خشونت خانگی، حداقل در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که لازم است بشر از دیدگاه اعمال خشونت علیه سالمندان هم به رفتارهای خود حساس باشد. در کاوش این معضل پژوهش‌های زیادی شده است و مصادیقی از آن در اشکال و انواع گوناگون در سراسر جهان دیده می‌شود. یک تعریف گسترده از آزار کهن‌سالان می‌تواند شامل هر بی‌حرمتی و آسیبی باشد که به عمد یا به سهو به انسانی کهن‌سال وارد می‌گردد. آزار کهن‌سال چیست؟ سؤال‌های زیادی شده سالکی ملاقا شروع دوران کهن‌سالی بوده است. این در حالی است که با بالا رفتن سن امید به زندگی در انسان در دهه‌های اخیر تا حدود ۱۰ سال به سن شروع این مرزبندی سنی اضافه شده است. فرایند تدریجی پیردن از پایان نوجوانی آغاز می‌شود، روزی کهن‌سال و با گذر سال‌های بی‌دری نیازمند توجه بیشتر از سوی دیگران می‌شود. در همین‌جا لازم است یادآور شویم که پیری مانند هر موضوع دیگر مربوط به واقعیت انسان، حداقل سه بُعد اصلی دارد که عبارت‌اند از: ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی. برای مقابله با کاسته‌شدن تدریجی جوانی جسمانی می‌توان با تلاش در مراقبت مناسب از خود، شیوه زندگی سالم، تغذیه مناسب و ورزش تا حدود زیادی جلوگیری کرد، کمابینکه در گوشه‌هایی از جهان مانند برخی نقاط ژاپن یا بعضی از کشورهای آسیای میانه، امید به زندگی همراه با سلامت جسمانی و جالایی به صورت معناداری بالاتر از میانگین جهان است. در بُعد روانی عواملی تعیین‌کننده مانند احساس امنیت، تعلق، دل‌بستگی و ایمن، احساس مفیدبودن و مسئولیت‌داشتن، احساس خودشکوفایی و رضایت نسبی از برایند زندگی می‌تواند به احساس روانی، ذهنی و عاطفی جوان‌بودن کمک کند. در بُعد اجتماعی نقش فرد در خانواده، در جامعه کوچک‌تر و بزرگ‌تر، احساس امنیت اجتماعی و داشتن تأمین اقتصادی در چارچوبی امن می‌تواند به احساس

قادر باستانی پژوهشگر علوم ارتباطات اجتماعی



دولت حسن روحانی، این روزها حال و روز خوشی ندارد. فشار توامان تیم شمشیر از رو بسته ترامپ و رجزخوانی‌های تویتری او در خارج و سیاسیون ناکام در انتخابات سال گذشته ریاست‌جمهوری در داخل، عرصه را بر او و دولتش تنگ کرده‌اند. روحانی به مردم قول داده بود دست وزیر جوان ارتباطات، در هیچ شرایطی روی دکمه فیلترینگ نخواهد رفت؛ اما فارغ از نظر شورای بالادستی فضای مجازی و قول رئیس‌جمهور، پیام‌رسان تلگرام به هر ترتیبی که بود، فیلتر شد. فعلاً شرایط به‌گونه‌ای که می‌خواستند، پیش رفته است؛ لاید مردم منتظرند اتفاقی بیفتد و تلگرام در برابر فیلترینگ، رویت‌ن‌ن شود. همیشه پیشرفت فناوری، جلوتر از محدودسازی‌ها حرکت کرده است اما در این میان مشی سیاسی وزیر جوان ارتباطات و فناوری اطلاعات، جالب توجه است. آقای آذری جهرمی، از ابتدای وزارتش سعی دارد ضمن حفظ اعتماد مسئولان، چهره رسانه‌ای خوبی از خود ترسیم کند و این فیلترینگ تلگرام، او را با چالش بدی مواجه کرده است. اگر وزیر جوان ما بتواند از این شرایط پیچیده، سربلند بیرون آید، موفقیت بزرگی برای خود کسب خواهد کرد. راه اصولی و منطقی آن است که از باب تخصص و جبر فناوری، موافقان فیلتر تلگرام را اقناع کند که فیلترکردن در شرایط امروز بی‌فایده است و هزینه آن، بسی بیشتر از فایده آن است.

در اینجا من بحث حقوقی ندارم که حقوق‌دانان معتقدند استفاده از پیام‌رسان، یک حق شهروندی است و به سبب استفاده دزدان شهر از کوچه و خیابان، نمی‌شود جلوی شهروندان دیوار کشید تا به کوچه و خیابان نروند. بحث فنی هم نمی‌کنم که

دور دنیا

فیلمی که ترامپ برای اون ساخت

● خبرگزاری اقتصادی بلومبرگ در مقاله‌ای با عنوان «ترامپ دستور داده است فیلمی فقط برای کیم جونگ اون ساخته شود»، به یکی دیگر از اقدامات عجیب رئیس‌جمهوری آمریکا پرداخته است. در این مقاله آمده است: در عنوان‌بندی ابتدای فیلم دونالد ترامپ برای کیم جونگ اون، دیکتاتور کره‌شمالی، فقط عنوان شرکت تولیدی Destiny Pictures نوشته شده است. یک راوی مرد که نامش را نمی‌دانیم، چنین شروع می‌کند: «هفت میلیارد نفر در سیهاره زمین زندگی می‌کنند. از آنهایی که امروز زنده‌اند، تنها تعداد اندکی اثری پایدار برجا می‌گذارند و فقط تعداد کمی از آنها تصمیمی می‌گیرند یا اقدامی می‌کنند تا مین خود را از نو بسازند و مسیر تاریخ را تغییر دهند».

این فیلم برای اولین‌بار به زبان کره‌ای برای روزنامه‌نگاران حیرت‌زده در هتل کایلا سنگاپور که منتظر کنفرانس خبری رئیس‌جمهوری آمریکا بعد از جلسه‌اش با کیم بودند، نمایش داده شد. هیچ توضیحی داده نشد که چه چیزی را دارند تماشا می‌کنند. خبرنگاران درمانده بودند که آیا این را کره‌شمالی ساخته است؟ کره‌جنوبی؟ یا سنگاپور؟ بعد از آن نسخه‌ای به زبان انگلیسی با لهجه نمایش داده شد.



ترامپ پس از آن در پاسخ به خبرنگاران گفت: «ما دادیم آن را ساختند. امیدوارم خوششان آمده باشد. فکر می‌کنم خوب بود، به‌نظر به اندازه کافی جالب بود که یک‌بار به زبان انگلیسی و یک‌بار هم کره‌ای نمایش داده‌ایم. امروز هم فیلم را به خودش نشان دادم - تقریباً در اواخر جلسه - و فکر می‌کنم خوشش آمد». ترامپ گفت که این فیلم را روی آپید و «یک کاست» به کیم نشان داده است.

فیلم به سبک تیزر فیلم‌ها ساخته شده است و دو سناریوی آتی‌ده برای ایالات‌متحده و کره‌شمالی تصویر کشیده است. راوی می‌گوید: «حرکت به عقب یا حرکت به جلو». پس از آن تصاویری از پرتاب یک موشک کره‌شمالی به‌صورت حرکت معکوس نشان داده می‌شود و چشم‌انداز مشهور تاریک کره‌شمالی در شب، روشن می‌شود و آسمان‌خراش‌های در حال ساخت به نمایش گذاشته شده است. سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا در ایمیلی نوشته است: «این ویدئو ازسوی این شورا برای کمک به رئیس‌جمهوری ساخته شده تا نشان دهد مزایای خلع سلاح هسته‌ای کامل و چشم‌انداز یک شبه‌جزیره کره‌ای صلح‌آمیز و مرفه چگونه است.» کسی نمی‌داند که در زمان خود بار ما را کشیده‌اند.

یادداشت

حکمرانی خوب و فیلترینگ

طبقه‌بندی کردند. بر اساس مطالعات ارتباطی، پنج عنصر، شامل «رعایت عدالت»، «بی‌طرفی»، «جامعیت»، «صحت» و «موفق‌بودن»، نزد مردم اعتبار می‌آفریند. جامعه‌ای که به مسئولان خود اعتماد دارد و آنها از اعتبار کافی نزد مردم برخوردارند، در شرایط بحرانی، عملکرد مناسبی از خود نشان می‌دهد. پیامدهای مثبت اعتبار در آرامش و پیش‌بینی‌پذیری جامعه هویدا می‌شود و پیامدهای منفی آن، شیوع فضای بی‌اعتمادی، بدبینی و بروز هیجانات ناگزیر اجتماعی را در پی دارد. ترمیم اعتبار ارادست‌رفته، کاری شدنی است، اما همت و اراده بزرگ می‌خواهد.

اکنون زیست انسانی، بدون رسانه‌های جدید، سخت و ناممکن است و با افزایش شمار کاربران، اینترنت به مظهر زندگی انسان تبدیل شده است. در پیمایشی که نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۳۵ ساله ۱۱ کشور، پاسخ‌گویان آن بودند، اکثریت گفتند که نمی‌توانند تصویری از زندگی بدون موبایل داشته باشند. دنیای دیجیتال واقعی است و با تجارب روزمره‌ای که با آن زندگی می‌کنیم و با آینده جامعه‌مان و خودمان، عمیقاً در هم آمیخته است. امروزه هر کاربر موبایل به راحتی و در چند ثانیه می‌تواند شبکه‌ای از مخاطبان یا کنشگران هفدهم و شخصی‌شده خود را از محتوایی که خود تولیدگر آن بوده است، مطلع و اختیار بازنشر آن را به دیگران تفویض کند. پس اقدام برای فیلترینگ، بی‌اعتمادی مردم به ویژه نسل جوان را به دنبال می‌آورد و این بی‌اعتمادی به حوزه‌های دیگر هم تسری پیدا می‌کند.

القضه حکمرانی خوب، با مسدودکردن حاصل نمی‌شود. فیلترینگ، نتیجه‌بخش نیست، همچنان‌که تاکنون نبوده است. دولت روحانی و وزیر ارتباطات، در آزمون بزرگی قرار دارند. اینک چاره‌ای جز انطباق با فضای آزاد رسانه‌ای نیست، اما مهم‌تر از آن ترمیم اعتبار و بازایی اعتماد مردم است. به مردم خوب خود خوشبین باشیم.

یادداشت

چگونه ویزیت به قهقرا رفت؟

توان دیدن نتایج دیررس ولی واقعی را از دست بدهیم و خواهان برپایی مدینه فاضله، سلامتی مطلق و جامعه بی‌طبقه آن‌هم همین فردا صبح قبل از طلوع آفتاب شویم! در جریان ویزیت چیزی جز کلامی که باد هواست بنییم و درمان غیر جراحی را هم توانایی نوشتن چند کلمه انگلیسی بدانیم. سواى این مطالب من در این یادداشت می‌خواهم به نکته دیگری هم در این زمینه اشاره کنم و آن هم رفتار غیравصولی خود ما پزشکان در برخورد با این‌گونه مشکلات است. گویا بسیاری از ما پزشکان و جوامع پزشکی هم در اهمیت این سنگ‌بنای سلامت مثل بقیه مردم دچار تردید هستیم که در برابر چنین تحقیری تنها به منافع خود می‌اندیشیم و نه به کیفیت کاری که انجام می‌دهیم. بنابراین به جای پافشاری بر اصول و اقدامات قانونی جمعی، ترجیح می‌دهیم کیفیت ویزیت را در تمام ابعاد آن از مکان و زمان ویزیت گرفته تا نحوه ثبت و ضبط و گزارش آن کاهش دهیم تا برای جبران مافات تعداد ویزیت‌ها بیشتر شود و تا می‌توانیم بر اعمال تشخیصی و درمانی مورد علاقه جامعه می‌افزاییم تا درآمد افت نکند. جان فرسوده شد به درک، علم را باد برد که برد، مو هم اگر نه به تجربه بلکه به آسیا سفید شد که شد. کیفیت درمان هم که اصلاً به ما مربوط نمی‌شود؛ همین است که هست؛ از بین همه حکما و فلاسفه هم اینجا فقط از سلطان قجر نقل‌قول می‌آوریم که فرموده بود: «همه چیزهای باید به همه چیزمان بیاید». کار به جایی می‌رسد که مراکز آموزشی ما هم حتی بدتر از مراکز خصوصی، ذیل ویزیت‌های فله‌ای بسیار ارزان تحلیل می‌روند.

اگر پزشکان و جوامع پزشکی عمیقاً به اهمیت کار تعلقی در طب ایمان بیاورند، اگر واقعا به این اطمینان برسند که تمامی جنبه‌های معنوی یک ویزیت مثل تجربه مستتر در نگاه طبیب کارکنته هم تنها و تنها بعد از تحقق تمام جنبه‌های مادی آن، از مکان تا زمان و شرایط و نحوه ثبت و گزارش آن ویزیت است که جایگاه واقعی خود را پیدا می‌کنند. اگر جوامع پزشکی قطعا به این نتیجه بدیهی برسند که مهم‌ترین خواسته پزشکان، پزشکان هم از هر قشر و طبقه‌ای [کیفیت] کارشان است یا باید باشد؛ آن‌گاه قطعا در برابر بادهایی که می‌آیند تا سامان کیفیت کار، یعنی عصاره حیات انسانی‌شان را بر باد دهند به این آسانی و نخواهند داد. بی‌تردید حفظ درآمد به بهایی که گفته شد، بسیار آسان‌تر است تا یادگیری بر اصول برای حفظ زندگی کار که ممکن است شامل اعتبار از فروش خدمت و محرومیت خود از درآمد هم بشود. نباید از یاد برد که در کانادا و آمریکا هم که ویزیت تا آن حد قدر می‌بیند، کارهای عملی و تکنولوژیک بسیار بسیار پیشرفته‌تر از کشور ماست. در نتیجه می‌توان گفت کارهای عملی و تکنولوژیک نه‌تنها جای عامل تجربه و تبحر انسانی را نگرفته بلکه اهمیت آن را در جهت استفاده از این تکنولوژی چندین برابر کرده است. کوتاه سخن آنکه تمام نگرانی نه از دریافت کمتر یا بیشتر بلکه از روزی است که کالایی که در کانادا تا سه هزار دلار ممکن است ارزش‌گذاری شود، در شرایط ما ارزش همان شش، هفت دلار ناقابل را هم نداشته باشد!

دیگر فیلترکردن، مانع دسترسی نیست و صداها راه برای دوزدن فیلترینگ وجود دارد. بحث من ارتباطی است؛ ارتباط میان مردم و حاکمیت. حکمرانی خوب اقتضا می‌کند حاکمان ارتباط مؤثری با شهروندان داشته باشند و لازمه چنین ارتباطی، اعتماد است. باید حرف حاکمیت، نزد مردم «اعتبار» داشته باشد و این اعتبار است که ارزش دارد و جامعه را به سمت حکمرانی خوب سوق می‌دهد و باعث استحکام دولت می‌شود.

اعتبار، خود را در بزنگاه‌های تاریخی نشان می‌دهد و معلوم می‌شود که مردم چقدر پشت مسئولان هستند و از آن دفاع می‌کنند. وقتی رسانه ملی، شب و روز موضوعی را تبلیغ می‌کند و قاطبه مردم، کار دیگری می‌کنند، نشان می‌دهد که اعتبار ضعیف شده و نیاز به تقویت دارد. بعضی کارها اعتبارآفرین است و بعضی دیگر اعتبارزدا. آنچه اعتبار می‌آفریند، خوش‌بینی و صداقت و روراستی با مردم و چیزی که اعتبارزداست، بدبینی است. در فرایند ارتباط میان مردم و دولت، مردم از خود می‌پرسند چرا باید پیام‌رسان تلگرام مسدود شود؟ پاسخ آن است که دشمن از بستر تلگرام برای ضربه‌زدن به کشور بهره می‌برد. به نظر شما، چرا مردم این حرف منطقی را نمی‌پذیرند. پاسخ در «اعتبار منج» است. در علم ارتباطات گفته می‌شود «اعتبار» یک خاصیت ذاتی نیست، بلکه باید اکتساب شود و منشأ آن گیرنده پیام است. اعتبار یک‌شبه ایجاد نمی‌شود. کسب اعتبار، کاری سخت و فرایندی بطنی و تدریجی‌الحصول است که نیاز به مراقبت دارد؛ سخت به دست می‌آید و به راحتی از دست می‌رود. پس بی‌توجهی مردم به هشدارها درباره خطر پیام‌رسان خارجی را باید در رفتارهای گذشته جست‌وجو کرد.

دانشمندان دست به بررسی ۸۳ مقیاس مختلف زدند تا عوامل مؤثر بر اعتبار را بسنجند. آنان تعداد عناصر را به ۳۵ مورد کاهش دادند و آن را در سه بعد اصلی، شامل «اطمینان»، «صلاحیت» و «پویایی»

بابک زمانی

رئیس انجمن سکنه مغزی



می‌خواستم بنویسم چگونه طب داخلی به قهقرا رفت، دیدم برای این ادعا هم ابتدا باید به‌قهقرا رفتن ویزیت را ریشه‌یابی کرد. چرا؟ چون بارها گفته شده که ویزیت، به معنای آنچه در ملاقات بیمار و طبیب رخ می‌دهد، سنگ‌بنای سلامت است. همان‌طور که اقتصاددانان تحلیل اقتصاد را از تحلیل کالا شروع می‌کنند، تحلیل ساختار بهداشت و درمان را هم باید از تحلیل ویزیت شروع کرد. در جریان ویزیت است که نوعی رابطه انسانی میان طبیب و بیمار شکل می‌گیرد. در جریان ویزیت است که حقیقت بیماری ورای شرح حالی که ارائه شده، با استفاده از شیوه‌ای علمی و آزموده چهره می‌کشاید. در جریان ویزیت است که تصمیماتی مهم نظیر جراحی یا تصمیماتی با همان درجه جسارت، نظیر صبر و انتظار اتخاذ می‌شود. در جریان ویزیت است که ناگهان انسانی که خود را در آستانه مرگ می‌دید، بر می‌گشاید و با اطمینان خاطر به زندگی ادامه می‌دهد، یا برعکس انسانی که بی‌خیال و سرشار از امید زندگی می‌کرد، ناگهان درمی‌یابد که باید یک جراحی سنگین از سر بگیرد؛ یا باقی عمر را که شاید چیز زیادی هم از آن باقی نمانده باشد، با درد و رنج بگذراند. در جریان ویزیت است که نوع خاصی از ادبیات و سخنوری و نوع خاصی از بوروکراسی در توضیح و ثبت آلام بشر شکل می‌گیرد. آری؛ ساختار سلامت را باید از تحلیل ویزیت شروع کرد.

درحال‌حاضر شواهد آشکاری در به‌قهقرا رفتن ویزیت در کشور ما وجود دارد که آن را از اثبات بی‌نیاز می‌کند. تنها به‌عنوان نمونه می‌توان توجه کرد که یک مشاوره در یک بیماری پیچیده داخلی وقتی هم که توسط یک استاد باتجربه در کشور ما انجام شود و درستی آن اظهارنظر هم به اثبات رسیده باشد، باز ممکن است تنها برای دریافت رقمی حدود هشت دلار باعث بازخواست و اعتراض پزشک شود. اما یک استاد کانادایی در همان درجه علمی و با همان تجربه حتی اگر در سطحی بسیار بالاتر می‌تواند برای چنین مشاوره‌ای برای هروطنی تا سه هزار دلار درخواست کند و مورد پذیرش هم قرار بگیرد؛ اینکه نتیجه هر دو یکسان بوده است، به هیچ عنوان به این معنا نیست که کیفیت ویزیت در کشور ما به قهقرا رفته و کیفیتی برابر با کانادا دارد. یا مثلاً تلاش و استعداد‌های فردی می‌تواند نقایض موجود را در معنا نیست که کیفیت ویزیت در ساختاری را جبران کند؛ وقت و اعتبار‌دادن به ساختار ویزیت قطع نظر از نتیجه آن، همان نکته مغفول در فرهنگ ماست که جلوتر به آن اشاره خواهم کرد. به‌هرحال هدف این نوشتار نه اثبات بلکه تعمق در دلایلی است که منجر به این انحطاط شده است. نگارنده و دیگران در واکاوی این پدیده بارها و بارها به زمینه‌های فرهنگی اشاره کرده‌اند. زمینه‌های فرهنگی‌ای که با هسته‌های بدوی درون خود باعث می‌شوند خوردنی را بیش از دیدنی و دیدنی را بیش از اندیشیدنی بهاددیم، در کار جمعی لنگ بزیم اما در کارهای فردی عملی قهرمان شویم،